

مطالعه نشانه‌های نقش ترغیبی زبان در قصاید پس از مشروطه ملک‌الشعراى

بهار «با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی هلیدی»

زهرا غیائی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی،

ایران

سید احمد حسینی کازرونی^۲ (نویسنده مسئول)

استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

چکیده

نقش‌های زبان و جهت‌گیری‌های آن‌ها در هر نوع ارتباط کلامی، عاملی تعیین‌کننده در شیوه بیان نویسنده و نوع بازنمایی نگاه وی به دنیای اطرافش به شمار می‌روند. هر کدام از این نقش‌ها با جهت‌گیری‌هایی که به سوی مخاطب، گوینده، موضوع پیام و امثال این موارد دارند باعث بازنمایی‌های متمایز از یک موضوع یکسان در نوشتارهای مختلف می‌شوند. در آثار تعلیمی - ترغیبی کارکرد انگیزشی کلام تشخیص می‌یابد و به همین جهت، مخاطب، اهمیت دارد. نقش ترغیبی یا انگیزشی زبان، نقشی مخاطب‌محور است و بیش از هر چیز در جست‌وجوی انتقال اندیشه مطرح شده در متن به مخاطب است. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی به مطالعه نشانه‌های نقش ترغیبی زبان در قصاید ملک‌الشعراى بهار با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی پرداخته و درصدد پاسخگویی به این پرسش است که غلبه نقش ترغیبی زبان در گفتمان تعلیمی - ترغیبی اشعار بهار چه تأثیری در شیوه به کارگیری عناصر زبانی دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که نمودهای این نقش در اشعار ملک‌الشعرا در سطح زبانی شامل میزان قطعیت بالای کلام، افعال امر و نهی، انواع تکرار، شبه‌جملات، افعال کنشی، جملات ندایی، انواع حصر و قصر و استثناء، مؤکد ساختن کلام، جابه‌جایی معنادار اجزای نحوی ابیات و تقدیم و تأخیر واژگان، بیشترین کاربرد را دارند و در سطح تصاویر زبانی نیز «تصاویر تمثیلی و حماسی» در جهت نمود این نقش به کار رفته‌اند. مهم‌ترین گستره‌های معنایی که در چهارچوب نقش ترغیبی زبان در اشعار بهار مطرح شده‌اند سه گستره «وطن»، «عدالت» و «آزادی» هستند.

واژگان کلیدی: قصاید پس از مشروطه ملک‌الشعراى بهار، نقش ترغیبی زبان، نشانه‌های زبانی.

1 . zahra.ghiasi2019@gmail.com.

2 . sahkazerooni@yahoo.com.

۱- طرح مسأله

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌ها است که برای «پیام‌رسانی» بکار می‌رود. برای آنکه این پیام‌ها میان فرستنده و گیرنده به راحتی انتقال یابد گاهی با نشانه‌هایی همراه می‌شود تا گیرنده همان پیامی را دریابد که مورد نظر فرستنده است. اگر جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب باشد، منجر به ایجاد نقش ترغیبی می‌شود و بارزترین نمونه آن، ساخت‌های ندایی یا امری است که صدق و کذبشان قابل بررسی نیست. در نقش ترغیبی زبان جهت‌گیری پیام به سمت مخاطب است و بارزترین تجلی آن در جملات ندایی و وجه امری است که «به لحاظ نحوی، سازه‌ای و غالباً حتی به لحاظ واجی از هنجارهای سایر مقولات اسمی و فعلی دور می‌شوند.»

گوینده پیامی را به شنونده منتقل می‌کند که به کنش از سوی شنونده منجر می‌شود. در کنار جملات ندایی و امری، جملات دعایی و جملات خبری که به هدف ترغیب بیان شوند، نقش ترغیبی دارند. نقش ترغیبی زمانی نمود می‌یابد که هدف گوینده، برانگیختن احساسات مخاطب باشد و از این رو این نقش در تبلیغات کارکرد مهمی می‌یابد؛ «جایی که در آن، محتوای ارجاعی پیام در برابر علائمی که مقصود از آن‌ها برانگیختن احساسات مخاطب است- و این کار را یا از طریق شرطی کردن آن‌ها به وسیله تکرار انجام می‌دهد یا از طریق ایجاد واکنش‌های احساسی ناخودآگاه در مخاطبان- رنگ می‌بازد.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱ و ۲۲). گاهی یک موضوع برای نویسنده اهمیت زیادی دارد که وی را ناگزیر می‌کند در بافت کلام و میان نشانه‌ها و واحدهای زبانی جابه‌جایی انجام دهد تا کلام خود را برای دریافت آن از سوی گیرنده رساتر کند. گاهی نیز احساس می‌شود که گیرنده پیام را دریافت نمی‌کند یا نمی‌خواهد مقصود مورد نظر نویسنده را بپذیرد از این رو کلام با نشانه‌های دیگری همراه می‌شود تا هر گونه مانعی در مسیر انتقال پیام به گیرنده برداشته شود. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی در صدد معرفی نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در بافت متنی قصاید و تصنیفات - ملک‌الشعراى بهار است. از این رو پرسش‌های مختلفی مطرح شده است. از جمله:

۱. غلبه نقش ترغیبی زبان در گفتمان تعلیمی - ترغیبی اشعار بهار چه تأثیری در شیوه به کارگیری

عناصر زبانی دارد؟

۲. نمود نقش ترغیبی از طریق کدام یک از نشانه‌های زبانی در بافت متنی گفتمان تعلیمی - ترغیبی

قصاید بهار مطرح شده است؟

۳. مهم‌ترین کارکردهای زبانی «نقش ترغیبی» در بافت متنی گفتمان تعلیمی - ترغیبی قصاید بهار کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی تا کنون با مورد توجه قرار دادن نقش‌های شش‌گانه زبان به مطالعه متون ادبی پرداخته‌اند؛ اما تعداد محدودی از آنها بر نقش ترغیبی یا انگیزشی زبان تمرکز کرده‌اند. از جمله پژوهشی که آهی و فیضی (۱۳۹۲) با عنوان «نقش‌های شش‌گانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی» انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ادبیات تعلیمی عموماً و در قصیده خصوصاً، «مخاطب» محور اصلی فرآیند ارتباط به شمار می‌رود و از میان نقش‌های زبان، نقش ترغیبی به عنوان نقش عمودی و اصلی و بقیه به عنوان نقش وسیله‌ای و فرعی به شمار می‌روند. در پژوهش دیگری با عنوان «عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو» توسط صراحتی جویباری (۱۳۹۵)، یافته‌ها حاکی از آن است که در شعر ناصر خسرو، نقش ترغیبی بعد از نقش شعری، بیشترین برجستگی را به نسبت سایر نقش‌های زبان داراست.

۳- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه نموده‌های نقش ترغیبی زبان در قصاید ملک‌الشعرا بهار پرداخته است. ابزار تحلیل دو فرآیند «اندیشگانی» و «بینافردی» در رویکرد نقش‌گرایی هیلدی هستند. جامعه آماری پژوهش قصاید بهار پس از دوره مشروطه هستند؛ دوره‌ای که اکثر قصاید بهار رنگ و بوی تعلیمی به خود گرفته و محتوای اصلی آنها معطوف به القای اندیشه آزادی‌خواهانه و میهن‌پرستی بهار به مخاطبان است. این پژوهش تلاش کرده تا بتواند نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان را در قصاید بهار شناسایی کند و از این طریق به سازوکارهایی که یکی از بزرگترین شعراي عهد مشروطه برای ارشاد و ترغیب مخاطبان خود برگزیده، دست یابد.

۴- مبانی نظری پژوهش

۴-۱- نقش ترغیبی یا انگیزشی زبان

نقش ترغیبی زبان، زمانی غالب می‌شود که جهت‌گیری پیام به سمت مخاطب باشد. هنگامی که ارتباط برگیرنده (مخاطب) متمرکز باشد کارکرد ترغیبی برتری می‌یابد. از جملات امری، ندایی و

دعایی به عنوان بارزترین نمود زبانی این کارکرد یاد می‌شود؛ اما بسیاری از جملات خبری که به قصد ترغیب بیان می‌شوند نیز نقش ترغیبی دارند. هنگامی که هدف از کلام، جلب مشارکت گیرنده (مخاطب یا خواننده) یا برانگیختن وی باشد نقش انگیزشی یا ترغیبی زبان تحقق می‌یابد (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱). کارکرد ترغیبی و همچنین نقش‌های زبانی دیگر در زبان گفتاری مردم نیز کاربرد بسیار دارد. ^۲ گاهی از این نقش زبان به گونه‌ای غیرمستقیم استفاده می‌شود «یکی از درخور توجه‌ترین و مهمترین مسائل درباره‌ی زبان، شیوه‌ی استفاده‌ی ما از گفته‌ها برای بیان معانی‌ای است که در آن گفته‌ها وجود ندارد (لارنس ترسک، ۱۳۸۰: ۱۷۳). یاکوبسن پیام‌هایی را که هدفشان بیش از هر چیز ایجاد واکنش و حرکت در گیرنده است، کنشی می‌نامد.

۲-۴. کارکردهای اجتماعی و اقناعی قصیده

قصیده یعنی «قصد کرده شده و مقصود خاص». قصد در عربی به معنی توجه کردن و روی آوردن به کسی یا چیزی است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۷۳). شمس قیس رازی در تعریف قصیده می‌گوید: «و اشتقاق قصیده از قصد است و آن توجه و روی‌نهادن است به چیزی و جایی و مقصود محل قصد مردم است به طلب و تحصیل و گفتن و درک آن. پس قصیده فعلی است به معنی مفعول؛ یعنی قصد شاعر است به ایراد معانی مختلف و اوصاف متفرق از مدح و هجا و شکر و شکایت و غیر آن و «ها» در آخر قصیده از بهر آن است تا دلالتی کند بر وحدت آن» (رازی، ۱۳۶۰: ۲۰۲). موضوع اصلی قصیده «مدح» است، پس از مدح موضوعات دیگری از جمله «پند و اندرز» نیز در قصیده مطرح می‌شوند. هم در این بخش مطرح شد.

قصاید را از چند نظر می‌توان تقسیم‌بندی کرد: از نظر ردیف و قافیه قصیده «الفی» و «بائیة». از نظر موضوع تشبیب (بهاریه، خزانیه، طلوعیه، غروبیه). از نظر موضوع تنه‌ اصلی (مدیحه، حبسیه، شکوائیه یا وطنی و اجتماعی) و یا قصاید مقتضب و محدود، زمانی که شاعر می‌خواهد از حادثه‌ی مهمی مانند پیروزی، جنگ یا واقعه‌ی خبر دهد. (نک: رزمجو، ۱۳۸۵: ۴۱ - ۴۲)

این قالب به‌عنوان قالب رایج و مسلط «Dominant» شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن ششم به شمار می‌آید و در ابتدا فقط برای مدح و پس‌از آن برای پند و اندرز یا مضامین اخلاقی و دینی و مذهبی به کار گرفته شد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۷۸ و ۲۷۹).

قصیده در کنار کارکرد ادبی آن می‌تواند دارای کارکردها و تأثیرات دیگری از جمله سیاسی، روان-شناسی، اقناعی و تعلیمی نیز باشد؛ همچنین می‌توان آن را عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی دانست. علاوه بر این به جنبه تبلیغاتی آن نیز می‌توان اشاره کرد. گاهی در ضمن قصیده ممکن است گوینده مخاطب خاص خود را به انجام امری مجاب و قانع کند.

۳-۴- بهار؛ قصیده‌سرای بزرگ عهد مشروطه

ملک‌الشعراى بهار یکی از مهم‌ترین شعراى عصر مشروطه و بزرگترین قصیده‌سرای معاصر است. شعر بهار «در مرکز مشروطیت قرار دارد و تمایز او از اقراش (ادیب پیشاوری، ادیب‌الممالک، دهخدا، سید اشرف، عارف، عشقی و ایرج) در این است که پس از دوره مشروطیت نیز ادامه یافته و قریب سه دهه پس از مسخ مشروطیت به دست رضاشاه را نیز زیر چتر خلاقیت خود دارد و این سی سال بهترین سالهای شاعری اوست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۸۲) او شاعر نوآوری است که هرچند در ترکیب کلام و قوالب و قوافی بیش و کم همان شیوه شعراى سلف را پی می‌گرفت، اما با ژرف‌نگری در مضمون‌آفرینی و نیز به کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات نوساخته زمان خود و دستکاری‌های ذوق‌پسند در قوالب شعری، توانست در آن تصرفاتی استادانه داشته باشد و سبکی نو ابداع کند که در این حد از جامعیت و کمال در شعر فارسی سابقه نداشت و بعد از بهار در این شیوه گفتار کمتر شاعری توانست با او برابری کند. (خطیبی، ۱۳۸۴: ۱۹)

اگرچه سبک شعری بهار به‌ویژه در قصیده، خراسانی است؛ اما در شعر او «ساخت و صورت‌های قدمایی، در اثر ترکیب با عوالم روحی انسان عصر جدید، بافت تازه‌ای به خود گرفته که در مجموع نوعی سبک شخصی را در شعر او به‌وجود آورده است و این مهم‌ترین امتیاز اوست.»^{□□} (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

۴-۴- «مخاطبان» و «گستره‌های معنایی» نقش ترغیبی زبان» در قصاید بهار

مضمون قصاید بهار بیشتر وصفی، وطنی، حماسی، انتقادی، عرفانی، پند و اندرز یا شکواییه و طنز یا در منقبت و رثای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیه‌السلام است (خطیبی، ۱۳۸۴: ۱۹). شعرهای اولیه او را اشعاری از قبیل: رثای پدر، مدح مظفرالدین‌شاه، مدح حضرت ختمی مرتبت، منقبت مولای متقیان، مدح امام هشتم، مبعث ولی‌عصر، خمیره، غدیریه، بهاریه، وفات مظفرالدین شاه، جلوس محمد علی‌شاه و... تشکیل می‌دهد که بهار در تمام این قصاید به استادان قدیم شعر پارسی اقتفا

کرده‌است؛ اما پس از مشروطیت به آزادی‌خواهان می‌پیوندد و قصاید و سایر سروده‌هایش را وقف انقلاب و آزادی می‌کند (آرین‌پور، ۱۳۵۷: ۱۲۶) بهار یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار در عصر مشروطه به‌شمار می‌آید. مهم‌ترین مضامین و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی دوره مشروطه را می‌توان در شعر او جستجو کرد.

گستره‌های معنایی در چهارچوب نقش ترغیبی زبان با توجه به هدف تعلیمی نویسنده در این اشعار، در قالب ۳ گستره اصلی مطرح شده‌اند. پربسامدترین گستره «آزادی»^{□□□} است و در مرتبه بعد از آن نیز «وطن»^{□□} و «عدالت»[□] قرار دارند. این ۳ گستره، مبنای اصلی گفتمان تعلیمی اشعار بهار را شکل داده‌اند. با توجه به اینکه نقش ترغیبی زبان، نقشی مخاطب‌محور است، شناخت مخاطب گفتمان در مطالعه گستره‌های مورد بحث امری اجتناب‌ناپذیر است. مخاطبین این گستره‌ها به شرح زیر هستند:

انواع مخاطبان در هر یک از گستره‌های معنایی نقش ترغیبی زبان

«در اشعار پس از مشروطه بهار»

ردیف	نوع مخاطب	مثال	گستره معنایی
۱	معرفه «عام و جمع»	شما، مردم، هنرمندان، حکیمان	آزادی - وطن
۲	معرفه «خاص و مفرد»	تو، شاه، حکیم، وزیر، ادیب، دانا	آزادی - عدالت - وطن
۳	نکره «مفرد»	انسان، آدمی، مرد	آزادی - وطن
	نکره «جمع»	آدمیان، مردان، قوم	آزادی - وطن

۴-۵- مؤلفه‌های «نقش ترغیبی زبان» از منظر رویکرد نقش‌گرایی هلیدی

زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، عنوان رویکردی است که هلیدی برای توصیف و بازنمایی متن ارائه داده است. در این رویکرد متن براساس «بافت موقعیتی» مطالعه شده و به زبان به مثابه یک «نظام کارکردی» نگریسته می‌شود. هلیدی در بحث مطالعه زبان، سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی را مطرح کرده است. طبق نقش‌اندیشگانی، هر پیام زبانی شامل رویدادی است که با حضور عناصری اتفاق می‌افتد و شرایطی نیز بر این رویداد حاکم است. هلیدی رویداد را «فرایند» و افراد و شرایط دخیل در آن را «مشارک» می‌نامد. در فرانش بینافردی، در جریان ارتباط، هر فرد یک نقش ارتباطی

را برای خود برمی‌گزینند و نقش یا نقش‌های مکملی برای دیگران قائل می‌شود و در چارچوب همین نقش‌ها دست به کنش می‌زند. «میزان بسامد فرآیندهای مادی و رابطه‌ای» در یک متن می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در نمود نشانه‌های نقش ترغیبی زبان مطرح باشد؛ به این معنا که گوینده/ نویسنده گاهی با استفاده از «فرآیندهای مادی»، کنش‌های مورد نظر را به مخاطبان ابلاغ می‌کند و آنها را به همراه ساختن با اندیشه خود ترغیب می‌نماید. گاه نیز از طریق کاربرد پرسامد «افعال ربطی» و بیان ویژگی‌های یک اندیشه، به شیوه توصیفی مخاطب را تعلیم می‌دهد و با خود همراه می‌سازد. «میزان عناصر قطعیت» در یک متن نیز از دیگر نشانه‌های نقش ترغیبی زبان در متن هستند. زمانی که گوینده/ نویسنده با استفاده از این ابزار «ابهام» را در کلام خود از بین ببرد، مخاطب به همراهی و تأیید بیشتر وی ترغیب می‌شود.

۴-۶- تنوع نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان به اقتضای تنوع مخاطبان

با توجه به تنوع مخاطبان، نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان نیز در اشعار مورد مطالعه متنوع و مختلف هستند. در سطح فرانشی اندیشگانی «بسامد بالای افعال کنشی و وصفی» و در سطح فرانشی تعاملی «میزان قطعیت بالای کلام» در قصاید بهار، بارزترین نشانه‌های این نقش در قصاید بهار به شمار می‌روند. به طور کلی باید از «کاربرد پرسامد افعال کنشی»، «نشانداری کردن جملات»، «کاربرد قیود تأکید»، «کاربرد انواع تکرار»، «کاربرد افعال ناقص»، «کاربرد جملات امری و پرسشی»، «حصر و قصر»، «انواع استثناء»، «جمع بستن مسند و مسندالیه»، «جملات شرطی»، «همراهی ضمیر فاعلی با فعل» و «افعال وصفی» به عنوان شاخص‌ترین نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در گفتمان مورد نظر نام برد. فرآیندهای زبانی نیز به مقتضای کلام و مخاطب، متفاوت و متنوع هستند و رابطه معناداری میان کاربرد فرآیندهای زبانی و گستره‌های معنایی مورد بحث وجود دارد. در مرحله تحلیل سعی شده است با توجه به کل بندهای معنایی در ساختار متنی گفتمان مورد بحث، به تمام ابیات قصاید و گستره‌های معنایی آنها توجه شود و تنها یک مصراع یا بیت مبنای تحلیل قرار نگیرد.

۵- بحث و تحلیل داده‌ها

نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در اشعار پس از مشروطه بهار در قالب دو دسته اصلی قابل بررسی هستند. دسته نخست نشانه‌های زبانی هستند که در رأس آنها «انواع تکرار»، «انواع حصر و قصر و استثناء»، «انواع جملات امری، پرسشی و شرطی» و امثال این موارد قرار دارند. در دسته دوم نیز

نشانه‌های تصویری از قبیل تصویرهای تمثیلی و حماسی قرار گرفته‌اند. این نشانه‌ها با توجه به تنوع مخاطبان و گستره‌های معنایی به شیوه‌های مختلفی مطرح شده‌اند.

۱-۵- نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در گفتمان تعلیمی - ترغیبی اشعار بهار

- انواع تکرار (تکرار واژه، جمله، ضمیر، ساختار نحوی و فعل)

تکرار به عنوان یکی از پرسامدترین نشانه‌های زبانی نمود نقش ترغیبی زبان در گفتمان مورد بحث مطرح است و به اشکال مختلفی بیان شده است. این روش گاه از طریق تکرار یک عبارت یا یک واژه و گاه نیز از طریق تکرار یک مصراع محقق شده است. در مثال زیر ملک‌الشعرا خطاب به پادشاه/ ممدوح، دلاوری‌های او را یادآوری می‌کند و وی را به تدام آنها ترغیب می‌کند:

تو بودی که در جنگ خونین رشت	سپر ساختی تن به تیر بلا
تو بودی که کردی به رزم جنوب	به دریا و صحرا تن خود فدا
تو بودی که گرگان ز نیروی تو	تهی شد ز یک گله گرگ دغا
تو بودی کز آن پست و تیره مگاک	رساندی وطن را به اوج علا...

- تکرار معنادار افعال در جایگاه ردیف

یکی از پرسامدترین نشانه‌های زبانی نمود نقش ترغیبی در اشعار مورد مطالعه، «تکرار معنادار افعال در جایگاه» هستند. «تکرار افعال امر و نهی» در جایگاه ردیف یکی از روش‌های اصلی ملک‌الشعرا بهار برای انتقال اندیشه تعلیمی خود به مخاطب است. تکرار پر بسامد فعل «نیست» در مثال زیر در جهت «نفی پایداری جهان» و «نهی مخاطب از فریفته شدن به دنیا» مطرح شده است:

جهان جز که نقش جهان‌دار نیست	جهان را نکوهش سزاوار نیست
سراسر جمال است و فر و شکوه	بر آن هیچ آهو پدیدار نیست...
چو بیغاره رانی همی بر جهان	چنان‌دان که جز بر جهان‌دار نیست
تو مفریب از او گرت هوش‌ست یار	فریب از در مرد هشیار نیست

- بسامد بالای جملات پرسشی و استفهامی

آن دسته از پرسش‌هایی که به دنبال کسب خبر نیستند و هدف از طرح آن‌ها تأثیرگذاری بر روی مخاطب است، پرسش «غیرایجابی یا بلاغی» نامیده می‌شوند. «سؤال بلاغی انتقال پیام به طرز غیرمستقیم و مؤثرتر است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۲۰) یکی از کاربردهای پرسش بلاغی، ایجاد تأکید در کلام است؛ چراکه «اصولاً استفهام، هنگامی که بر شدت عواطف و احساس و هیجان دلالت کند، سخنی مؤکد است.» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۸۱). جملات پرسشی یکی دیگر از نشانه‌های نمود نقش ترغیبی در گفتمان تعلیمی قصاید بهار هستند. مخاطب اغلب این جملات افراد خاصی هستند که گوینده بطور مستقیم خطاب به آنها سخن می‌گوید. این جملات اغلب با هدف مؤاخذه و اعتراض نسبت به وضعیت موجود مطرح شده‌اند و از طریق ساختار پرسشی خود ذهن مخاطب را به تأمل وامی‌دارند:

چنان کاندر قران فرمود مولا	اگر قسمت به سعی است و به کوشش
چرا همواره جمعی در تقلا؟	چرا پیوسته قومی در تنعم؟
چرا یک قوم در چرکینه چوخا؟	چرا یک قوم در زبینه ملبس؟

- کاربرد قیود تأکید در ساختار متنی جملات خبری و پرسشی

این روش در قالب کاربرد ادات مختلفی مانند «هیچ، همه، هرگز، هر، الا، جز، مگر و غیره» شکل گرفته است. بستر اصلی کاربرد این قیود در ساختار متنی جملات خبری و پرسشی است. واژگان مورد بحث گاهی از طریق نشاندار کردن جمله عمل کرده‌اند؛ به این معنا که در پی کاربرد این واژگان، ساختار نحوی جمله دستخوش تغییر شده و در موارد بسیاری این کلمات برخلاف قواعد نحوی در جایگاه مبتدای جملات قرار گرفته‌اند. مخاطبان این گروه از ابیات مؤکد^{□□} اغلب اشخاصی هستند که گاه به صورت مفرد و گاه نیز به صورت جمع مورد خطاب قرار گرفته‌اند. گستره‌های معنایی مختلفی از طریق کاربرد قیود مؤکد شده‌اند که «وطن» در این میان سهم بیشتری دارد.

هر کرا مهر وطن در دل نباشد کافر است	معنی حب‌الوطن، فرموده پیغمبر است
هرکه بهر پاس عرض و مال و مسکن داد جان	چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغر است
از خدا وز شاه وز میهن دمی غافل مباش	زان که بی این هر سه، مردم از بهائم کمتر است
قلب خود از یاد شاهنشاه مکن هرگز تهی	خاصه در میدان که شاهنشاه قلب لشگر است

از تو بی آیین و بی سلطان نیا ید هیچ کار زان که آیین روح و کشور پیکرو سلطان سراست

- کاربرد جملات ندایی □□□

یکی دیگر از نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در قصاید بهار در جملات ندایی و خطابی است. خطاب از اقتضائات سخنوری و از ویژگی‌های قصاید تعلیمی در تمام ادوار شعر فارسی بوده است. ملک‌الشعرا در بسیاری از قصاید خود به مثابه سخنرانان مجالس و عظمی از عنصر خطاب بهره بسیار برده است. □□□□

هان ای حکیم چند کنی لابه؟	هان ای ادیب چند کنی غوغا؟
لابه به پیش کور نیارد مرد	غوغا به پیش کر نکند دانا
مردم کردند نیمی و نیمی کور	از کور و کر، چه خواهی جز حاشا

- کاربرد افعال ناقص

«باید» و «شاید» از جمله افعال ناقص هستند که تنها یک شخص دارند. «شاید» به مرور زمان به قید شک تبدیل شده است و باید نیز، هر چند خصوصیت فعلی خود را از دست نداده، فعل کاملی نیست؛ چرا که جمله بعد از خود را مانند قید، تأکید می‌کند. (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۷۸) «باید» در جمله وجه تأکیدی ایجاد می‌کند که بر تأکید و خواست و فرمان دلالت دارد. (همان: ۳۸۲) کاربرد «باید» در قصاید بهار بسامد بالایی دارد که نشانه مؤکد بودن زبان متن است.

همره سر نیزه بیاید دو چیز	مغز حکیم و دل یزدان پرست
با خرد و راستی و تیغ و تیز	پشت بداندیش توانی شکست..
پند بناپارت بیاید شنود	رشته پندار بیاید گسست
تکیه به سر نیزه توان داد، لیک	بر سر سر نیزه نباید نشست

با دقت در موارد بالا، می‌توان دریافت که «باید»، بیشتر با ضمیر یا فعل سوم شخص و نیز، در موارد کمی با ضمیر و فعل اول شخص آمده که به ترتیب امر غایب و امر متکلم را ایجاد می‌کند که نوعی امر غیرمستقیم و الزام را در خود دارد؛ در حالی که امر مستقیم یا امر حاضر که با ضمیر و فعل دوم

شخص همراه است، بیشتر جهت ترغیب و تحذیر مخاطب به کار می‌رود و الزام کمتری نسبت به امر غایب دارد. (نک. صراحتی و محسنی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

- حصر و قصر و استثناء

یکی از مهم‌ترین کاربردهای بلاغی در حصر و قصر، ایجاد وضوح و تأکید در کلام است. حصر و قصر یکی از ابزارهای مهم بلاغی است که قابلیت و ظرفیت ژرفی را در اختیار گوینده یا نویسنده قرار می‌دهد تا بدان وسیله تفکرات و اعتقادات خود را برجسته و مؤکد سازد؛ به بیان دیگر، «در این بخش بلاغت و دیگر مواردی که بیانگر نوعی تأکید و برجسته‌سازی است، گوینده و اعتقاد درونی اوست که اهمیت می‌یابد.» (جمالی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). این ابزار در قصاید بهار کاربرد وسیعی دارد و با هدف ایجاد قطعیت در کلام و در نهایت ترغیب مخاطب صورت گرفته است:

بی‌تا جهان را به هم برز نیم	بدین خار و خس آتش اندر ز نیم
بجز شک نیفزود از این درس و بحث	همان به که آتش به دفتر ز نیم
ره هفت دوزخ به پی بس— پریم	صف هشت جنت به هم برز نیم

گر زندگی از بهر غم و رنج و عذابست	دردی است که جز نیستیش هیچ دوا نیست
وین عقل و شعوری که از او رنج برد روح	بیش و کم او جز که عذاب حکما نیست
بودا که ره نیستی آموخت به اصحاب	خوش گفت که: هستی به جز از رنج و عنایت
آسایش جاوید از آن سوی حیات است	زین سو به جز از رنج و غم و بلا نیست

- کاربرد پربسامد افعال کنشی و انگیزشی

کاربرد پربسامد افعال کنشی در قصاید بهار، یکی دیگر از ابزارهای نویسنده در جهت القای اندیشه خود به مخاطب و «برانگیختن» وی است. در مثال زیر شاعر با مخاطب قراردادن کوه دماوند، به صورت غیرمستقیم مخاطب خود را ترغیب به انجام کنش‌های ندنظر خود می‌کند:

بشکن در دوزخ و برون ریز	بادافره کفر کافری چند
ز آن گونه که بر مدینه عاد	صرصر شرر عدم پراکند

بفکن ز پی این اساس تزویر	بگسل ز هم این نژاد و پیوند
برکن ز بن این بنا، که باید	از ریشه بنای ظلم برکنند
زین بی خردان سفله بستان	داد دل مردم خردمند

- کاربرد ضمائر جمع و همراه ساختن ضمیر فاعلی با فعل

در زبان فارسی نیازی به آوردن ضمیر منفصل در کنار ضمیر متصل یا شناسه نیست؛ اما آنگاه که هر دو با هم بیایند، می‌تواند نوعی تأکید در کلام ایجاد کند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۸۸).

سر آزاده ما منت افسر نکشد	تن وارسته ما حسرت زیور نکشد
ما فقیران تهی دست ز خود بیخبریم	جز سوی حق دل ما جانب دیگر نکشد
ما گداییم ولی قصر غنا منزل ماست	هر که شد همدم ما منت قیصر نکشد
خضر ماییم که خاک ره ما آب بقاست	هر که شد همره ما ناز سکندر نکشد
تا که ما راست سر رشته تسلیم به دست	باد پای فلک از رشته ما سر نکشد

- جمع بستن مسند و مسندالیه

گاه مسندالیه و گاه مسند جمع بسته می‌شود که دلالت بر کثرت و تأکید دارد. در صورت جمع آمدن مسند، معمولاً مسند مقدم می‌آید که تأکید افزون‌تر می‌شود و گاهی ممکن است هم مسند و مسندالیه جهت تأکید بیشتر جمع بسته شوند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۹۶). در مثال زیر جمع بستن «غلاف‌ها، مصاف‌ها، گراف‌ها و ...» جنبه ترغیبی زبان را تقویت کرده است:

تا تاختند بی‌هنران در مصاف‌ها	زد زنگ، تیغ‌های هنر در غلاف‌ها
ناچار تن زند ز مصاف مختان	آن کس که بر شکست به مردی مصاف‌ها...
پرورده شد به طرد حقایق دماغ‌ها	گسترده شد بگرد طبایع گراف‌ها
بر باد رفت قاعده اجتماع‌ها	وز هم گسست رابطه ائتلاف‌ها

- همراه ساختن مخاطب و تقویت میزان باورپذیری از طریق میزان «قطعیت بالای کلام»

میزان قطعیت ابزاری است که افراد به وسیله آن درجه اعتقادشان را به صدق یا کذب گزاره‌هایی که می‌گویند بیان می‌کنند و دیدشان را نسبت به مطلوب یا نامطلوب بودن وضعیتی که به آن ارجاع

می‌شود، نشان می‌دهند. میزان قطعیت یکی از مؤلفه‌های اصلی نقش بینافردی زبان است. (سیمپسون، ۱۹۹۳، ۴۷) میزان قطعیت در کلام یکی از نتایج عملکرد تعاملی زبان است. در قصاید بهار از ابزار مختلفی برای افزودن میزان قطعیت در کلام استفاده شده است. بسامد چشمگیر وجه اخباری نسبت به وجوه التزامی و امری و کاربرد افعال وجهی شناختی ابزارهای زبانی بهار در این زمینه هستند.

- کاربرد بسامد بالای «وجه اخباری» در جهت بخشیدن قطعیت به کلام

استفاده از ساخت‌های وجه اخباری یکی از عناصر مهم در جهت بخشیدن قطعیت به کلام نویسنده و تأثیر بیشتر بر مخاطب هستند. زمانی که گوینده به وقوع فعل یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح سازد، فعل از وجه اخباری است. بسامد بالای «وجه اخباری» در قصاید بهار از نمودهای نقش ترغیبی زبان است؛ تا از این طریق مخاطب میزان باورپذیری بیشتری از کلام شاعر داشته باشد.

هر کرا مهر وطن در دل نباشد کافر است	معنی حب‌الوطن، فرموده پیغمبر است
هرکه بهر پاس عرض و مال و مسکن داد جان	چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغر است
از خدا وز شاه وز میهن دمی غافل مباش	زان که بی این هر سه، مردم از بهائم کمتر است
قلب خود از یاد شاهنشاه مکن هرگز تهی	خاصه در میدان که شاهنشاه قلب لشگر است
از تو بی آیین و بی سلطان نیا ید هیچ کار	زان که آیین روح و کشور پیکر و سلطان سراسر است

- بهره‌گیری از افعال «وجهی شناختی»

به کارگیری افعال مربوط به بینش و ادراک مانند «عقیده داشتن»، «دریافتن»، «دانستن» و «درک کردن» یکی دیگر از عواملی هستند که به کلام نویسنده و شاعر میزان قطعیت بالایی می‌بخشند و مخاطب را ترغیب به همراهی بیشتر با اندیشه مطرح شده می‌کنند. در مثال زیر «ترغیب مخاطبان به شنیدن پند پدر» در روزگار جوانی، از طریق تکرار افعال شناختی «دیدن» و «شناختن» محقق شده است:

چندی کتاب خواندم و چندی معاینه	دیدم خرام گیتی از وعد و از نوید...
دیدم که پندهای پدر نقد عمر بود	کان مهر بان به طرح به من بر پراکنید
این عمرها به تجربت ماکفاف نیست	ناداشته به تجربت دیگران امید
خوش آن که در صباوت قدر پدر شناخت	شاد آنکه در جوانی پند پدر شنید

جدول ۱: کاربرد انواع نشانه‌های زبانی در گفتمان تعلیمی - ترغیبی قصاید بهار

در جهت ترغیب مخاطبان

نشانه زبانی	نوع جمله	مخاطب	معانی ثانویه جملات
قیود تأکید	خبری - پرسشی	خاص - عام	هشدار
منادا	خبری - امری	خاص - عام	اندرز
جملات پرسشی	پرسشی	خاص	اعتراض
انواع تکرار	خبری - امری	خاص	انذار و هشدار
جملات امری	امری	خاص	هشدار
همراهی ضمیر فاعلی با فعل	خبری	خاص	تشویق و ترغیب
افعال ناقص	خبری - امری	خاص - عام	ترغیب و ارشاد
جملات شرطی	خبری - امری	خاص	ترغیب و ارشاد
جمع بستن	امری	خاص - عام	ترغیب و ارشاد
حصر و قصر و استثناء	خبری	خاص - عام	هشدار و اندرز
وجه اخباری	خبری	خاص - عام	هشدار و اندرز
افعال وجهی شناختی	خبری	عام	هشدار و اندرز

۵-۲- تصاویر زبانی

ملک الشعرا با توجه به مضمون اشعارش که اکثراً اعتراض به اوضاع جامعه و انتقاد به وضع موجود یا اخلاقیات و پند و اندرز و حکمت است، اغلب از محسوسات و واقعیات سخن می‌گوید نه از تخیلات و درونیات و وهمیات. این مسئله شعر و تصاویر شعری وی را به سبک کلاسیک نزدیک‌تر می‌کند. □ «عناصر تمثیلی»، «عناصر حماسی» و «عناصر عاطفی» از دیگر نشانه‌های کارکرد نقش ترغیبی زبان در قصاید بهار هستند.

- تصویرسازی از طریق «عناصر تمثیلی»

یکی از مهم‌ترین و پربسامدترین تصاویری که بهار برای ابلاغ مفاهیم مورد نظر خود از قبیل «مفهوم عدل» و ترغیب مخاطب به «عدالت» خلق می‌کند، «تصاویر تمثیلی» است. «تمثیل» یکی از عناصری

است که می‌تواند در جهت نقش ترغیبی کلام به کار برود. «تمثیل برای توضیح و تبیین معنی به کار می‌رود و قالبی است در خدمت ادبیات تعلیمی». تمثیل با تجسم‌بخشیدن و تصویرکردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی، امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتندی را ساده می‌کند. کارکرد تعلیمی تمثیل در مذاهب بسیار روشن است؛ بویژه در خطابه‌های سیاسی و علم اخلاق، قدرت اثبات و اقناع شگرفی دارد؛ مثلاً در توصیه به انجام امری و یا نهی از عملی. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷۳)

گستره معنایی «عدل» یکی از مفاهیم انتزاعی است که ملک‌الشعراء بیشترین استفاده از تمثیل را برای تصویرسازی آن داشته است.^{۱۱} معانی ثانویه که از این تمثیل‌ها القا می‌شود، این است که عدل هدایت‌گر و موجب استحکام مملکت است؛ عدل یک امر انتزاعی است و برای ترغیب مخاطب بدان، می‌بایست از امور حسی بهره گرفته شود.

ملک تو شاها یکی عروس نکوروست	کاو را جز عدل و داد نبود شوهر
یک چند این خوبرو عروس نوآئین	داشت به سر بر یکی پلاسین معجر
عدل تو با دیبه و پرند ملون	آمد و برداشت این پلاس مقیر
لیک دریغا که روزگار بنگذاشت	کز تو رسد ملک را طرازی دیگر

در ادامه این قصیده تمثیل عدل گسترده‌تر و مفصل‌تر می‌شود. این میزان از تفصیل در تصویرسازی عدل، نشان‌دهنده تلاش شاعر برای ترغیب مخاطب به این امر خطیر است.

- تصویرسازی از طریق «عناصر حماسی»

زبان شعر بهار حماسی است و از عناصر حماسی در شعر خود بهره گرفته؛ چراکه ماهیت شعر بهار مبارزات سیاسی و وطن‌خواهی است. «در عصر مشروطیت زبان و بیان حماسی به واسطه شاعرانی آگاه و آرمان‌گرا به سان میرزاده عشقی، نسیم شمال، بهار و فرخی موجب بیداری و پویایی مردم شد. به‌ویژه این که گفتار با کردار یکی شد؛ یعنی شاعر با نثار خون خویش گفته‌ها و اندیشه‌های خود را به منصف ظهور گذاشت. حماسه‌ای سرود که تحت عنوان حماسه اجتماعی مطرح شد و در واقع حماسه اجتماعی بیان دلاوری‌های شیران میدان مبارزات سیاسی است. که در این نوع شعر شاعر ضمن تلمیح به قهرمانان گذشته، خود نیز با سلاح شعر به مبارزه برمی‌خیزد. و از آزادی، وطن،

استقلال، و قانون دفاع می‌کند.» (جوادی زاویه، ۱۳۹۵: مقدمه) بهار در ساخت برخی تصاویر وطن از عناصر حماسی بهره می‌گیرد؛ عناصری که دلالت بر رزم و مبارزه داشته باشد. چنانکه در بیت زیر می‌بینیم، وطن چونان انسانی به تصویر کشیده شده که چنگیز بر گلوی تیغ خونفشان نهاده است:

وانگه ز تیره‌بختی خوارزمشسه، نهاد
چنگیز بر گلوی وطن تیغ خونفشان
آمد برون ز میغ وطن تیغ نادری
وز وی گرفت روشنی این تیره خاکدان

- بهره‌گیری از «عنصر عاطفه»

ملک الشعراء در خلق برخی از تصاویر خود از عنصر عاطفه و احساس بهره می‌گیرد. از میان مفاهیم اجتماعی که بهار در اشعار خود به کار می‌گیرد، «وطن» از عنصر عاطفه و احساس به میزان بسیار پررنگ‌تری برخوردار است. یکی از ابزارهای مهم تصویرسازی بر پایه عاطفه و احساس، صفت است. «صفت یکی از کلماتی است که نقش مؤثری در انسجام شعر دارد و معمولاً چاشنی عاطفی به شعر می‌دهد. صفت در راستای هماهنگی و انسجام پیش از واژگان دیگر نشان دهنده عاطفه شاعر است و محملی است که روحیات شاعر را می‌تواند بر دوش بکشد زیرا شاعر حس درونی خود را به واژه‌ها می‌بخشد و برخورد عاطفی خود را نسبت به یک شیء یا پدیده نشان می‌دهد. استفاده از واژگان در بیان معنا ضروری است؛ اما صفت در این انتقال معنا چاشنی عاطفی و احساسی به کلام می‌دهد» (دهرامی، ۱۳۹۴: ۳۵) در ابیات زیر صفاتی چون بیچاره، خسته، آواره، فرد، مستمند، دژم، بتر که شاعر برای وطن به کار می‌گیرد، از این نظر درخور توجه است:

بیچاره وطن در دم نزعست دریغا!
ای مرگ وطن را شده شایق به چه کارید؟

بیچاره وطن خسته و آواره و فرد است
رخساره ما از غم این واقعه زرد است

ابزار دیگری که می‌تواند در خدمت عاطفه کلام قرار گیرد، واژگانی است که بار معنایی عاطفی دارند؛ واژگانی چون اشک و غم در ابیات زیر به خلق تصویر عاطفی از وطن کمک کرده‌اند:

یک قرن اشک ریخت وطن تا که برکشید
اشک بزرگ، رایت شوکت بر آسمان

من که به کوی خرمی داشتمی وطن کنون وادی بیکران غم شد وطنم، دریغ من

«شبه‌جمله‌ها یا اصوات» نیز از دیگر ابزارهایی هستند که بیانگر حالات روحی و درونی بوده و به کلام جنبه عاطفی می‌بخشند. استفاده از شبه‌جمله‌هایی چون دریغا، دریغ، افسوس در ابیات فوق، به خلق تصاویر عاطفی کمک می‌کنند. جاندارانگاری نیز، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که رنگ عاطفی به کلام می‌بخشد؛ در ابیات فوق مرگ وطن، اشک‌ریختن وطن، شاد و غمگین شدن و دیگر صفاتی که به وطن نسبت داده شده است، از نمودهای جاندارانگاری وطن هستند.

۶- نتیجه‌گیری

گفتمان تعلیمی - ترغیبی یکی از گفتمان‌های اصلی در قصاید پس از مشروطه ملک‌الشعراى بهار است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در میان نقش‌های ششگانه زبان، نقش «ترغیبی یا انگیزشی» نمود بیشتری در بافت متنی این قصاید دارد. نمودهای این نقش در قصاید بهار با توجه به تنوع مخاطبان و گستره‌های معنایی در دو سطح «فرانقش اندیشگانی» و «فرانقش بینافردی» قابل بررسی هستند. نشانه‌های نمود نقش ترغیبی زبان در اشعار مورد مطالعه متنوع و مختلف هستند. در سطح فرانقش اندیشگانی «بسامد بالای افعال کنشی و وصفی» و در سطح فرانقش بینافردی «میزان قطعیت بالای کلام»، بارزترین نشانه‌های این نقش در قصاید وی به شمار می‌روند. «کاربرد قیود تأکید»، «کاربرد جملات امری و پرسشی»، «کاربرد انواع روش‌های تکرار»، «مؤکد کردن جملات بعداز خطاب»، «جمع بستن مسند و مسندالیه»، «کاربرد چشمگیر افعال ناقص»، «بسامد بالای حصر و قصر و استثناء»، «جملات شرطی» و «ذکر ضمیر فاعلی همراه با فعل» از مهمترین نشانه‌ها هستند. انواع روش‌های تصویرسازی از طریق عناصر حماسی و تمثیلی از دیگر ابزار بهار در جهت القای اندیشه خود به مخاطب و در نهایت «برانگیختن» وی به شمار می‌روند. «بهره‌گیری از عنصر عاطفه» نیز بر جنبه ترغیبی / انگیزشی کلام بهار افزوده است. «شبه‌جمله‌ها یا اصوات» و «جاندارانگاری» از مهم‌ترین ابزارهایی است که رنگ عاطفی به کلام بهار بخشیده‌اند.

فهرست منابع

- آقاحسینی، حسین و همکاران (۱۳۹۰)، «اهمیت پرسش در متون عرفانی»، کاوش‌نامه، س ۱۲، ش ۲۲: صص ۱۶۰-۱۳۲.
- جمالی، فاطمه (۱۳۸۹)، «جایگاه قصر و حصر در علم معانی»، فنون ادبی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۳، دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: صص ۱۲۲-۱۰۹.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۰)، «راهبردهای عرضه اطلاع نو در آگهی‌های رادیویی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۶۷)، صص ۱۶۹-۱۴۷.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: نوین.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). انواع ادبی. تهران: فردوس.
- رازی، شمس قیس. (۱۳۶۰) المعجم فی معایر اشعار المعجم. تصحیح مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رزمجو. حسین. ۱۳۸۳. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- صراحتی جویباری، مهدی و محسنی، مرتضی (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو»، کاوش‌نامه، سال هفدهم، شماره ۳۳، صص ۱۲۵-۹۷.
- عمران‌پور، محمدرضا (۱۳۸۶)، «کارکرد هنری قید و گروه‌های قیدی در اشعار شاملو»، مجله پژوهش‌های ادبی، ش ۱۸: صص ۷۸-۱۰۲.
- نجاریان، محمدرضا و جوادی نیک، آمنه (۱۳۹۲)، «شیوه‌های تأکید در فارسی و عربی»، ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۳۴: صص ۳۷۶-۳۵۳.
- وفایی، عباسعلی و آقابابایی، سمیه (۱۳۹۲)، «بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲: صص ۴۶-۲۳.

- هلیدی، ام ای کی و حسن، رقیه (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن «ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی»*، برگردان: محسن نوبخت، تهران: سپاه‌رود.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۸)، *زبان‌شناسی و شعرشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- یاکوبسن، رومن و دیگران (۱۳۹۰)، *زبان‌شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، ویرایش ۲، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- خطیبی، حسین (۱۳۸۴). «*هنر شاعری و سبک اشعار بهار*». مجله حافظ، ش ۱۴.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۵۷). *از صبا تا نیما*. تهران: زوآر.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- جوادی‌زاویه، سیدمجید. (۱۳۹۵). *حماسه نو: بررسی لحن حماسی در شعر بهار، فرخی یزدی، سیاوش کسرای، اخوان ثالث، شاملو*. کرج: نارین رسانه.
- جمالی، فاطمه. (۱۳۸۹). *جایگاه قصر و حصر در علم معانی*. فنون ادبی. سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۳. دانشگاه اصفهان. پاییز و زمستان. صص ۱۰۹-۱۲۲.
- لارنس ترسک، رابرت (۱۳۸۰)، *مقدمات زبان‌شناسی*، ترجمه فریار اخلاقی، تهران: نشر نی.

۱. «وان اک» در این باره می‌گوید: «آنچه مردم به وسیله زبان انجام می‌دهند، اجرای شفاهی کارکردهایی مشخص است. مردم به وسیله زبان تصدیق می‌کنند، می‌پرسند، دستور می‌دهند، اعتراض می‌کنند، ترغیب می‌کنند و غیره».

□□. همان‌گونه که شفیع کدکنی معتقد است برای شناخت شعر بهار می‌بایست «برخورد او را با ارزش‌های مختلف حیات مورد نقد و نظر قرار دهیم و در این راه پست و بلند اندیشه و حدود شناخت او را از این مفاهیم و ارزش‌ها بررسی کنیم و از انسجام فکری یا تناقض‌ها و ناهمخوانی درون‌مایه‌های شعری او بحث کنیم و اگر بتوانیم رابطه این زمینه‌ها را با مسائل طبقاتی عصر او و مسائلی که در اعماق جامعه جریان داشته، نشان دهیم و مثلاً بینیم وی چه نوع برداشتی از مفهوم وطن، آزادی، عدالت، خدا، زیبایی یا هریک از مفاهیم ارزشی و اندیشه‌های محوری روزگار خویش داشته است.» (همان: ۳۸۱)

□□□ . «آزادی» یکی از مفاهیم مهم در اشعار مشروطه و نیز، ملک الشعرا به شمار می‌آید. تصاویری که بهار برای مفهوم آزادی می‌آفریند، معنایی از مبارزه و جنگ قدرت را القا می‌کند. مهم‌ترین عناصری که در شعر بهار به خلق تصاویری درباره مفهوم آزادی می‌انجامد، «عناصر حماسی» است. این تصاویر به‌وضوح نشان‌دهنده آن است که شاعر در راه آزادی چونان یک مبارز عمل می‌کند. مبارزه برای آزادی به‌خوبی در این تصاویر منعکس شده است و اغلب رنگ شکست به خود می‌گیرد؛ اما این شکست به معنای تسلیم نهایی بهار نیست؛ بلکه تنها توصیفی از وضع موجود است؛ چنانکه با وجود توصیف این شکست، او همچنان ایستاده و ستایشگر مطلق آزادی است:

آزادی و مشروطیت افتاده به زحمت
این گوهر پر شعشعه در کام نهنگست

iv . «وطن» یکی از مفاهیم مهم شعر دوران مشروطه و نیز شعر بهار به‌شمار می‌آید. «بهار اوج ستایشگری وطن است. یعنی از دریای شعر او، اگر دو ماهی یا دو نهنگ بخواهیم صید کنیم، آن دو که از همه چشم‌گیرتر و بارزترند عبارتند از «وطن» و «آزادی» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۲۲).

□ . «عدالت» یکی از مفاهیم مهم در اشعار بهار است که در جهت مبارزات سیاسی- اجتماعی خود، از آن در کنار مفهوم آزادی و وطن، بهره فراوان می‌برد. این مفهوم بسامد بالایی در دیوان شاعر دارد و در بیشتر موارد ترغیب به آن را در اشعار بهار می‌بینیم. عدل در دیوان بهار اهمیت و ارزش بالایی دارد؛ این ارزش را در تصاویری که از عدل خلق می‌کند مشاهده می‌کنیم؛ مثلاً در جایی که آن را دارو و مرهم می‌دانند:

کجاست آنکه به داروی عقل و مرهم عدل
جراحت دل خونینم التیام دهد؟

vi . «تأکید» یکی از سازوکارهای زبانی است که به شیوه‌ها و انواع گوناگون در متن ایجاد می‌شود و دارای کارکردهای مختلف بلاغی است. تأکید با برجسته‌کردن بخش از معنای متن، به انتقال بهتر اندیشه‌ها و تفکرات خاص گوینده کمک می‌کند. تأکید به عنوان یکی از سازوکارهای زبانی، در چهارچوب نقش ترغیبی زبان مطرح می‌شود. زمانی که سخن با تأکید مناسب همراه می‌شود، در جان شنونده تأثیر عمیق‌تری دارد و ابهامی در ذهن او باقی نمی‌گذارد. بلاغت اقتضا می‌کند که کلام به مقتضای حال و مناسب مقام گفته شود. رعایت مقتضای حال در حقیقت معیاری برای شناخت کلام بلیغ از غیربلیغ است. به این معنا که ممکن است سخنی مقتضای حالی باشد باشد ولی همان سخن برای حال و موقعیتی دیگر مناسب نباشد. مقتضای حال بستگی به زمان و مکان و حالت روحی متکلم و مخاطب دارد. اگر شنونده منکر است، تأکید کلام به اندازه انکار او ضرورت دارد و چنانچه انکارش شدیدتر است، تأکید هم باید بیشتر باشد (علوی مقدم، ۱۳۶۴: ۱۴۸).

□□□ . ندا از منظر علم زبانشناسی به معنای بیان احساسات گوینده است. زبان‌شناسان معتقدند هر زبان برای بیان احساسات درونی اعم از حیرت، تأسّف، تحسین، تحقیر، ترس، آرزو، انزجار، شک و تردید، تعجب، حسرت و غیره دو وسیله در اختیار دارد:

- استفاده از اصوات و کلمات فاقد معنای لغوی مانند: آه، آوخ و وه!

- استفاده از الفاظ دارای معانی مشخص و نمودار احساسات مانند: آفرین! احسنت! بارک الله! خوشا! دریغا! و غیره (شفایی، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

viii. منادا در قصاید بهار معمولاً به دو صورت ۱. بی‌نشانه و با تغییر آهنگ ۲. با نشانه به کار می‌رود. صوت‌های ندا در ابیات وی عبارتند از: ای، یا، ایا، هان و پسوند «ا».

ix. تصویر در شعر کلاسیک شیء را بی‌واسطه و مستقیم نمایش می‌دهد و ویژگی بارز آن، روشنی است.

x. تمثیل با حسی کردن امور انتزاعی، به آگاهی ذهنی، شکل می‌دهد و آن را تثبیت می‌کند. در مواردی که بیان اندیشه دشوار است، تمثیل به روش آگاهانه راهی است برای پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم اندیشه‌هایی که بیان آن‌ها خطر دارد. یکی از شگردهای مهم ادبی برای القای معنا، خلق تصاویر مرتبط با درون‌مایه اثر است.

Impress